

عربستان زیر ذره‌بین

گذشته، ساکنان، مذهب، انحرافات و آینده آن

کارن الیوت هاوس

ترجمه

مرجانہ سعیدی

مقدمه

علیرضا پورامید

ویراستار

مجتبی مقدسی



تهران ۱۳۹۷

سرشناسه	هاوس، کارن الیوت House, Karen Elliott
عنوان: نام پدیدآور	عربستان زیر ذره بین گذشته، ساکنان، مذهب، انحرافات و آینده آن / کارن الیوت؛ ترجمه مرجانه مسعودی؛ با مقدمه علیرضا پورامید.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات امید رهاوی، ۱۳۹۷.
مشخصات نشر	۳۸۷ص: مصور؛ ۵/۱۴ # ۵/۲۱ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۱۱-۲-۳
وضعیت درست	فیفا
یادداشت	On Saudi Arabia: its people, past religion, fault Lines-- عنوان اصلی: and future, 2012
یادداشت	کتاب منتشر تحت عنوان "درباره عربستان = On Saudi Arabia : مردم، گذشته، دین، حرامات گسست و آینده" با ترجمه و نشر رجایی خراسان در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است
یادداشت	کتابخانه
عنوان دیگر	درباره عربستان = On Saudi Arabia : مردم، گذشته، دین، خطوط گسست و آینده.
موضوع	آل سعود
موضوع	House of Saud
موضوع	عربستان سعودی -- سیاست و حکومت
موضوع	Saudi Arabia -- Politics and government
موضوع	فاو (عربستان سعودی) -- تمدن
موضوع	Faw (Saudi Arabia) -- Civilization
موضوع	عربستان سعودی -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
موضوع	Saudi Arabia -- Social life and customs
موضوع	عربستان سعودی -- دین
موضوع	Saudi Arabia -- Religion
شناسه افزوده	مسعودی، مرجانه، ۱۳۳۶- مترجم
شناسه افزوده	پورامید، علیرضا، ۱۳۳۸- مقدمه نویس
شناسه افزوده	مقدسی، مجتبی، ۱۳۳۹- ویراستار
رده بندی کنگره	DS ۲۱۵ / ۲۵۴ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	۹۵۳ / ۸
شماره کتابشناسی ملی	۴۴۷۴۷۴۷



عربستان زیر ذرّبین

(گذشته، ساکنان، مذهب، اسرار و آینده آن)

کارن الیوت هاوس

مترجم: مر جانه مسعودی

ویراستار: مجتبی مقدّسی

مقدمه: علیرضا پور امید

طراح جلد: کیارش امین‌فر

نوبت چاپ: نخست ۱۳۹۷

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

© حق چاپ: ۱۳۹۷، انتشارات امیدرهاوی

Email: omiderahavi@chmail.ir

تلفن: ۰۹۱۲۵۰۲۹۴۸۶ نمایر: ۲۲۶۲۲۱۴۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۱۱-۲-۳

فهرست

۲۳		سرآغاز
۲۹		فصل اول / همه چیز دربارهٔ ترساکر سعودی
۳۱		شکننده
۳۷		خودت را دار بزن، تو یک سعودی هستی
۴۳		فصل دوم / حضرت محمد(ص)
۷۳		فصل سوم / اسلام غالب و تقسیم شده
۱۰۵		فصل چهارم / ماریج اجتماعی
۱۲۷		فصل پنجم / زن‌ها و خطوط قرمز
۱۶۵		فصل ششم / جوان و نا آرام
۱۹۳		فصل هفتم / شاهزاده‌ها
۱۹۹		شاهزاده عاشق فوتبال
۲۰۲		یک شاهزاده حرفه‌ای
۲۰۷		شاهزاده فزانورد
۲۱۱		شاهزاده سیاستمدار

۲۱۷	فصل هشتم / پایین آمدن نمرات.....
۲۴۱	فصل نهم / اهداف، رخوت و فقر.....
۲۷۱	فصل دهم / مطرودین.....
۲۸۹	فصل یازدهم / و مجرمین.....
۳۱۳	فصل دوازدهم / جانشینی.....
۳۲۹	فصل سیزدهم / سناریوهای عربستان.....
۳۴۵	فصل چهاردهم / میخ‌ها و سوزن‌ها.....
۳۷۳	فصل پانزدهم / بازی آخر.....

مقدمه

اگر از پرده بر من شد ل من عیب مکن

شکر ایزد که نه در پرده پندار بماند

(حافظ)

سال‌ها پیش در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی کتاب معشوقه خاقان که مبتنی بر ماجراهای حرمسرای بزرگ خاقان مغفور فتحعلی خان قاجار پسر حسینقلی خان جهانسوز که مقطوع النسل بودند عمرش (آقا محمدخان قاجار) به نفع او تمام شد و قدرت و سلطنت را به ارث برد به دستم رسید.

صدهزاران پوست از جمع بهایم در کشند

تا یکی را چرخ گرداند درفش کویان

خاقانی

به هر حال او که به ابوالبشر سوم موسوم است، از حرمسرای خویش آن قدر دور بود که تعداد دقیق فرزندان (دختر و پسر) را تا آخر عمر نتوانست دانست.

.... موضوع این کتاب به گمان من گونه‌ای نوشتار مبتنی بر واقعیت

است، که چنین رویکردی در کنارش از بهترین و پرمخاطب‌ترین نوشته‌ها محسوب می‌شود، که به دلیل جاذبه‌ها و جلوه‌های واقعی‌اش، به اصطلاح، چون «چاه کندن در پای دریا» است، و نویسنده یا مؤلف، از منظر خواننده، هرگز به محدودیت و تنگنا دچار نمی‌شود.

جاذبه دیگر این گونه نگاشته‌ها را می‌توان به دو بخش کنجکاوی‌ها و دانستن پشت پرده‌ها و مقوله تاریخی بودن (با تمامی مستند بودن یا عدم آن)، مدح و موهون دانست. صرف‌نظر از این دو شاخه، در میان بودن و حضور موضوع یک زن نیز به جاذبه این گونه آثار به شدت می‌افزاید. اگر داستان زندگی راسپوتین جاذب است، به دلیل ارتباط او با ملکه روسیه و نحوه ارتباطش با دربار رومانف‌هاست.

در بین تمام اتفاقات رنژ درشت و یا راست و دروغ که تاریخ در مورد سلسله و دودمان ابن عباس (حلفای بنی عباس) بیان کرده، به جرأت می‌توان آن بخش پُر ابهام و گفت‌ها را رون‌الشید و پیوند خانوادگی عباسیون با برامکه را نادیده گرفت.

کتاب ملکه غمگین نوشته عبدالرحمن رامیری که در مورد فوزیه (اولین عروس خاندان پهلوی) است، یا کتاب ابن‌نکاشته مسعود بهنود، یا کتاب‌ها ثریا اسفندیاری، یا پلنگ سیاه که در مورد اشرف به‌لوی است، در زمره همین گونه کتاب‌ها به‌شمار می‌آیند. اگر زندگی نام‌پر بین غفاری نسبت به دیگر سرگذشت‌نامه‌های بانوان جلوه بیشتری دارد، به دلیل ارتباطش با پادشاه وقت و از پردگیان محسوب شدن اوست.

کساده شاهدبازاری آن‌جاست که پا توق پری غفاری آن‌جاست

ترکان خاتون و مهدعلیا و رابعه بنت کعب قزداری و اشتهار لیلی و شیرین را می‌توان تا حدودی مدیون موضوع حکومتی و قدرتمندی خانواده دو بانوی قهرمان افسانه دانست.

به هر حال این سخن دراز دامن است و مجال اندک؛ پس به این مختصر اکتفا نموده و قلم را اندکی در مورد کشور عربستان سعودی، به ویژه تاریخ معاصرش بر کاغذ می‌دوانم.

عموم مناطق خاورمیانه عربی کم‌ویش به مدت چهار قرن تحت سلطه عثمانی‌ها بوده، و در اواخر همین دوران، اعراب با تمدن جدید آشنا گردیدند و همزمان با آن احساس کردند بیگانگان (ترک‌ها) سرنوشت آن‌ها در دست دارند. قبلاً به دلیل مشترکات دینی و مذهبی و به دلیل «خليفة اسلام» بودن سلطان عثمانی، چنین احساسی وجود نداشت. آشنایی آن‌ها با رورگای سوسیالیسم بعضاً متأثر از مدرنیزاسیون عثمانی‌ها بود و این به گونه‌ای بود که احساس عرب بودن را در آنان تقویت می‌کرد.

روشنفکران و مقامات و نمایندگان ترک از اوایل قرن نوزدهم، یعنی همزمان با تجزیه قلمرو اروپایی‌ها با تمدن جدید و ایده‌ها آن‌ها آشنا شدند، و عمیقاً تحت تأثیر اندیشه‌های ملی‌گرایانه (ناسیونالیستی) قرار گرفتند، و این ابتدای شکل‌گیری ناسیونالیسم ترک بود، که در نیمه دوم قرن نوزدهم، حالت افراطی و بلکه شوونیستی به خود گرفت. این جریان و رفتاری که از آن برمی‌آمد، منجر به شکل‌گیری نوعی ناسیونالیسم ملی و فومی در بین گروه‌هایی گردید که در قلمرو آسیایی عثمانی قرار داشتند. مؤسسات آموزشی و خدماتی میسیونری که از اوایل قرن نوزدهم در خاورمیانه عربی رشدی تصاعدی یافت، هم مسلمانان و هم مسیحیان بومی را عمیقاً تحت تأثیر قرارداد، و از مجرای همان‌ها با تمدن جدید و خصوصاً با ساختارهای نوین حکومتی و حقوق شهروندی آشنا شدند. این مؤسسات، عمدتاً در لبنان، سوریه، مصر و تا حدودی در فلسطین و عراق واقع شده بود. مدرنیزاسیون عربستان و شیخ‌نشین‌ها، داستانی دیگر دارد. اینان‌ها عموماً تا پایان جنگ دوم، جوامعی بسته و منزوی بودند و به دور از تحولاتی که در

بخش خاورمیانه عربی می گذشت و پس از جنگ جهانی دوم به تاریخ جدید وارد شدند. این ورود، همزمان با استخراج فراوان نفت بود که در مدتی کوتاه، ثروتی انبوه را به این کشورها که در عین حال جمعیت اندکی داشتند، وارد ساخت.

ورود دیر هنگام به دوره مدرن به همراه ثروت بادآورده و نیز ساختارهای نیرومند قبیله‌ای این کشورها و نظام خاص سیاسی و حکومتی شان که در وجود رئیس کشور که به منزله رئیس قبیله بود، و تقریباً با همان منطق فکری رفتاری عمل می کرد، این تفاوت را موجب شده بود.

مهم ترین کشور که در این میان به دلایل دینی و وسعت سرزمینی و جمعیت بیشتر و منابع سرشارتر و ثروت فراوان حضور یافت، عربستان بود که شاخص ترین ویژگی این کشور، ایدئولوژی وهابی آن بود که «عبدالعزیز» با کمک همین ایدئولوژی و سازمان معتقد بدان توانست قدرت را به دست گیرد و نظامی سیاسی تأسیس نماید.

این ایدئولوژی، ذاتاً «بسته» و «محافظه کار» بود و تمدن جدید را نمی پذیرفت و به نوعی در خصومت با آن بود. این پدیده‌ای استثنایی در مجموع جهان عرب بود؛ چرا که حتی عالمان دینی و متدین‌های محافظه کار نیز چنین رویکردی نداشتند. کیفیت برخورد وهابیت و تمدن جدید پس از استقرار کشور عربستان، مراحل متخلفی داشت:

مرحله اول به زمان شکل گیری عربستان در قرن بیستم بازمی گردد - و مرحله دوم به ناآرامی های دهه ۶۰ و پس از آن که کانال تلویزیونی این کشور راه اندازی شد، و مرحله سوم به ناآرامی های نیمه دوم دهه ۷۰ منجر شد که در نهایت به اشغال مسجدالحرام انجامید. این تحولات در دهه ۸۰ به خارج از مرزهای عربستان منتقل گردید. و بهتر است بگوییم انتقال داده شد؛ خصوصاً پس از اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیری شوروی

تحولات مزبور در نهایت به تشکیل گروه‌های افراطی و ایدئولوژیک تکفیری، از جمله القاعده در اوایل دهه ۹۰ انجامید. در حقیقت هم‌اندیشی سید قطب و وهابیت از دو سلسله مقدمات و از دو رشته تحولات کاملاً متفاوت به نتیجه کم‌ویش مشترکی رسید، اما به دلایلی پیچیده، طبقه حاکم عربستان طبقه وسیع القاعده‌ای است.

خاندان سلطنتی یعنی فرزندان و نوادگان عبدالعزیز، بسیار گسترده‌اند، اما در این میان معنی نیست که همه آن‌ها در قدرت سهیم‌اند، ولی می‌توان گفت، همه از قدرت منتفع می‌شوند. در آمارهای رسمی تعداد فرزندان ذکور و اثاث عبدالعزیز که در ثروت نفت سهم دارند، ۶ هزار نفر آمده است. در ۱۰ سال اخیر و عملاً بعد از انقلاب‌های عربی، در این گروه پُرشمار، مخصوصاً از نسل فاسقه بعد، افکاری متفاوت مطرح شده، و تحولات کنونی تا مقداری زیاد در همان قشر اتفاق افتاده است. درون خاندان سلطنتی، مشکلاتی زیاد مزبور دارد. مهم‌ترین عامل شکاف بین طبقه مرکزی قدرت، وجود و تأثیر نسل جدید زیر سی سال این کشور است که هفتاد درصد جمعیت را در بر می‌گیرد. به دلیل بسته بودن جامعه، موجب تشدید رجوع نسل جدید به فضای مجاری شده است. این فضا، نسل جدید را کاملاً متفاوت با پدران و اجدادش پرورش داده است. گویی برای نخستین بار است که عربستان شکاف نسلی را به‌طور جدی تجربه می‌کند. به دلایل مختلف، شکاف نسلی در عربستان به مراتب کمتر از بسیاری از کشورهای منطقه بوده، اما اکنون دیگر وضعیت چنین نیست.

تحولات موجود از بالا وارد حاکمیت شده و به جامعه ورود کرده و بلکه بدان تزریق شده، و نه آن‌که از قاعده و از پایین به بالا رفته باشد. اصولاً نوع جامعه و ساختار اجتماعی و تاریخی و قبیله‌ای این کشور به گونه‌ای است که تحولات، شکل عمودی دارد و پیوسته یک طرفه است،

اگرچه در آینده، داستان چنین نخواهد بود و نسل جدید کمتر از ۳۰ سال، خواسته‌های خود را دیکته خواهد کرد.

عبدالعزیز با کمک همین ایدئولوژی، نجد را در اختیار گرفت و کشور عربستان را برای نخستین بار در محدوده مرزهای موجود بنیان نهاد. با کمک همین ایدئولوژی، مخالفان سرسخت خود را در اواخر دهه بیست از میان برداشت و فرزندان‌ش نیز در مقاطع مختلف تاریخی با کمک همان خود را حفظ کردند.

اصل با رغم شخصیت برجسته و کاریزمایی که از آن برخوردار بود، در نهایت جان بر سران راه گذاشت و به دست کسی که برادرش را پلیس به هنگام اعتراضات اواخر دهه ۶۰ کشته بود، ترور گردید. آن اعتراض‌ها به دلیل راه‌اندازی اولین که "تاریز یونی سعودی بود که وهابیان متدین با آن مخالف بودند. این وهابیت بجای بود که عبدالعزیز جوان را که از کویت بازگشته بود، به قدرت رسانید، و سر باز بدوی و خشن وهابی او بودند که رقبایش را کشتند و او را به حاکم نجد تبدیل کردند و هم اینان بودند که با حمایت و یاری از انگلیس، مکه و مدینه و حجاز و مجموعه حجاز و طائف را از شریف حسین گرفتند و ضمیمه قلمرو می ساختند، و مرزهای حکمرانش را به مرزهای کنونی رسانیدند. از آن پس نیز همین ایدئولوژی وهابی بود که عبدالعزیز را بر دشمنان افراطی‌اش که همان "خوارج وهابی" باشند، پیروز گردانید.

معمار عربستان مدرن، ملک فیصل پس از آن که به قدرت رسید، به دو اقدام مهم دست یازید: نخست حجازی کردن دستگاه اداری و مدیریتی کشور، و دوم نوسازی هرآنچه به وهابیت مربوط می‌شد، از نظام آموزشی و تبلیغی گرفته تا ایجاد نهادهای وهابی دیگر که در خدمت سیاست داخلی و خارجی کشور قرار گرفت. حجاز در مقایسه با مناطق دیگر عربستان به

مراتب توسعه یافته‌تر بود، اما پس از تسلط عبدالعزیز، هم خودش و هم نظام اداری‌اش به محاق رفته بود. فیصل آن را مجدداً زنده کرد و در کنارش کوشید وهابیت بدوی را به وهابیتی مدرن تبدیل کند. او در این راه از خود وهابیت و عالمان وهابی کمک گرفت و با یاری شان، ناآرامی‌های واسطه دهه ۶۰ را که به دلیل استفاده از مانکن در مغازه‌های لباس فروشی و راهاندازی شبکه تلویزیونی ایجاد شده بود، سرکوب کرد. برادر کسی که ملکه فیصل را ترور کرد، در جریان این سرکوب کشته شد. قاتل نیز فیصل نام داشت. پادشاه مویش بود.

ناآرامی سرکوب، اشغال مسجدالحرام انجامید، به اول محرم ۱۴۰۰ باز می‌گردد، که در این مورد وهابیت به حمایت تمام قد از رژیم برخاست که بی شک بدون چنین حمایتی، آنان نمی‌توانستند تاب آورند. هنگامی که سلطان عبدالعزیز، فرمانده کربد مالی که مجموعه‌ای از نیروهای ویژه وفادار به خاندان سعودی بودند، در صدد برآمد که به قیام‌کنندگان حمله کنند، از شورای فتوا تقاضای اجازه شرعی خواستند که البته با کش و قوس‌هایی صادر شد.

تهدید بزرگ دیگر به ماجرای اشغال کویت و با خطر افتادن عربستان توسط صدام باز می‌گردد. عربستان در آن هنگام از آمریکاییان و دیگر متحدان غربی کمک خواست که بخش بزرگی از مردم، آن را بر نداشتند، چون مخالف حضور نیروهای نظامی غیرمسلمان بودند که نباید از کنار یاری جست. بن‌لادن و هوادارانش چنین موضعی داشتند و با توجه به محبوبیت او در آن زمان، این موضع به‌ویژه در میان جوانان، طرفداران فراوانی یافت. در این جا نیز عالمان وهابی بودند که به یاری رژیم سعودی برخاستند و سیاست او را در مدد گرفتن از غربیان تأیید کردند. این حمایت در سال‌های بعد از آزادی کویت نیز که عربستان در موقعیتی شکننده قرار داشت، ادامه یافت.

که تنها به یک نمونه آنان اشارت می‌رود. به درخواست بن‌لادن، محمد المقدسی، کتاب «الراهین الجلیه فی کفرالدوله السعودیه» را نوشت و طی آن دلایل کافر بودن نظام سعودی را با بیان استدلالی سلفی و وهابی تشریح کرد. بدون یاری عالمان و نهادهای دینی، حکومت نمی‌توانست در برابر چنین نظرات و دیدگاه‌هایی مقاومت کند، به‌ویژه که در آن ایام، چنین افکاری طرفدارانی فراوان داشت. شهرت و محبوبیت دو روحانی معروف (سلمان العوده و «سفرالحوالی») که در آن سال خطابه‌های دینی - سیاسی خود را ایراد می‌کردند، به دلیل هماهنگی شان با همین جریان‌ها بود. اصولاً اسلام‌گرایان در سال‌های اخیر، کارنامه مثبت و درخشانی نداشته‌اند، و این خود احتمال وقوع نیامی دینی را در عربستان تضعیف می‌کند.

کشور عربستان را که زادگاه پیامبر اسلام است، از دیرباز می‌شناسیم، اما پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی در پایان جنگ جهانی اول، از نظامی که بر آن سرزمین مسلط شده و ریشه‌هایی که این حکومت را به صورت پیدا و پنهان به جهان خارج مربوط می‌کند، خبری نداریم که در مواردی با واقعیت مطابقت ندارد. آنچه مسلم است اسناد متقن تاریخی هم بدان گواهی می‌دهند، این است که نظام اولیه حکومت عربستان سعودی به ابتکار و در راستای سیاست خارجی امپراطوری انگلیس شکل گرفته است، اما با اتفاقاتی که در جنگ جهانی اول و دوم رخ داد، و اقتدار انگلیس کاهش یافت، در کشتی جنگی کونینسی مستقر در کانال سوئز، در ماه فوریه سال ۱۹۴۵، نوعی پیمان استراتژیک بین واشنگتن و ریاض شکل گرفت که هم رنگ اقتصادی داشت و هم صبغه امنیتی. بر اساس پیمان مزبور، ابن سعود به مدت شصت سال انحصار بهره داری نفت کشورش را به آمریکا می‌داد و این کشور، عربستان را تضمین و از حکومت آل سعود بدون دخالت در نحوه حکومت آن، حمایت می‌کرد. این پیمان در سال ۲۰۰۵ توسط جرج

بوش پدر برای ۶۰ سال دیگر تمدید شد؛ همچنین اگرچه آن‌ها پس از کودتای ۲۸ مرداد، وارد حوزه نفتی ایران شدند و ۴۰ درصد سهام کنسر سوم نفتی ایران را از چنگ انگلیس‌ها در آوردند، اما از ابتدا همچنان مقتدرانه بر سر چاه‌های پُر برکت نفتی عربستان خمیه زدند و اجازه ندادند انگلیس سهمی از آن داشته باشد، بنابراین اصل اول در هرگونه نگاه به عربستان سعودی باید چنین باشد که واشنگتن به عربستان به همان چشم و نمایی می‌نگرد که به اسرائیل؛ با این تفاوت که اسرائیل سالانه با فروش میلیارد ها دلار سلاح به عربستان و تجهیز ارتش آن به ادوات مدرن، از متحد سعودی خود حمایت می‌کند. از آن‌جا که ثروت نفتی عربستان در انحصار خانواده پسرشار آل سعود است و شاهزادگان این خاندان از ثروت نفتی بهره‌مندند، و در اسراف و تبذیر شهره آفاق شده‌اند و ما نیز نوعاً عربستان سعودی را به عیشر و نونای فرزندان آل سعود و پول نفت و... می‌شناسیم، اما اطلاع چندانی از یک کشور عاقله‌ای که سرزمین ۲/۱۵ میلیون کیلومتری عربستان را اداره می‌کند، نداریم.

نکته دیگر، وجود یک توافق سنتی بین ۳۰ ساله بین خاندان آل سعود با وهابیت است که اولی، دومی را تأمین، و دومی، به اولی مشروعیت می‌دهد. این توافق دین و پول، از نادر توافقات مرضی الطرفین است که در یک مملکت مسلمان برقرار است؛ البته مدیریت جدید قدامت‌پایی بر می‌دارد که به آن انگیزه اقتصادی می‌دهد. به عنوان نمونه، در بهار ۱۳۶۱ که بنا به فرمان ملک عبدالله، تعطیلی روز پنج‌شنبه از تقویم رسمی حذف شد و روز شنبه جایگزین آن گردید، و علت این عمل، انطباق با فعالیت‌های جهانی مالی و بانکی ذکر شد، یا محدود کردن قدرت پلیس مبارزه با روزه‌خواری در کوچه و خیابان که توسط پسر نیرومند ملک سلیمان صورت می‌گرفت، و مورد تأیید و موافقت روحانیت وهابی واقع شد،

حساسیتی در بین عالمان ایجاد نکرد. نکته مهم دیگر، مقابله با چیزی است که نفوذ منطقه‌ای ایران خوانده شده، و به عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر در منطقه و جهان اسلام پذیرفته شده است.

این اولویت در عربستان از فردای پیروزی انقلاب وضع نشده، بلکه در زمان حکومت پهلوی، حداقل از سال ۱۹۷۴ نیز جریان داشته است. اسناد شورای امنیت ملی آمریکا نشان می‌دهد که سازمان سیا و دولت ملک فیصل، پس از جنگ رمضان و چهار برابر شدن بهای نفت، برای محدود کردن قدرت شاه ایران، تصمیم به پایین آوردن قیمت نفت گرفتند، و این در حالی بود که شاه برای حمایت از عربستان، خلیان و هواپیمای جنگی به این کشور فرستاد و به واپیمای غیرنظامی شوروی اجازه داد از فراز ایران پرواز کنند و برای مصر و سوریه، ادوات جنگی ببرند؛ نیز به آن دسته از داوطلبان یهودی که می‌خواستند از طریق ایران به کمک اسرائیل برای جنگ بروند، اجازه عبور نداد.

کمک ملک فهد به صدام حسین و برپا کردن نصب موشک‌های چینی به سمت ایران توسط فهد و متعاقباً سیاست مهاجم ایران توسط ملک عبدالله، در راستای حفظ اولویت برخورد با ایران بوده است؛ البته از فردای مرگ عبدالله و افتادن قدرت به دست ملک سلیمان و فرزندش حماد و انتصاب وزیر خارجه جدید که از خانواده سلطنتی محسوب نمی‌شود، مقابله با ایران تشدید شد.

سفر ملک سلمان به مالزی و اندونزی و برونشی با هدف مهار ایران از طریق سرمایه‌گذاری در مالزی و اندونزی است. پس از مرگ ملک عبدالله در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۵، شیوه و ترکیب حکومت در عربستان تغییر گسترده‌ای پیدا کرد و دولت ملک سلمان با تغییرات وسیع از جمله جایگزینی وزیر نفت و رئیس بانک مرکزی، سیاست صرفه‌جویی و مدیریت جوان‌گرایانه را

اعلام نمود. در این خصوص برنامه‌های گسترده‌ای تدارک دیده شده تا از وابستگی ۸۰ درصدی بودجه به نفت کاسته شود، و برای مقابله با کسری بودجه، رشته‌ای از اقدامات نمادین شروع شده؛ مثلاً تعداد بورسیه‌های تحصیلی از ۲۰۰ هزار به ۱۲۰ هزار نفر تقلیل یافته، و بر قیمت حامل‌های انرژی افزوده شده است. در پاییز گذشته، ۱۷ میلیارد دلار اوراق قرضه توسط دولت فروخته شده که این حجم فروش اوراق در این منطقه از دنیای بی‌نابق است.

میزان اندک سهم ای. غارچی عربستان از ۷۳۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۶۴۰ میلیارد دلار، در سال ۲۰۱۶ تقلیل یافته است. در سال جاری میلادی، دولت بودجه ۳۷ میلیارد دلار تصویب کرده که ۵۳ میلیارد آن سهم آموزش، ۳۲ میلیارد سهم بهداشت، و درمان، و ۵۸ میلیارد سهم ارتش و امنیت عربستان است و دولت ۱۸۵ میلیارد دلار درآمد و ۵۲ میلیارد کسری بودجه خواهد داشت.

درآمد توریستی عربستان ۲۲/۶ میلیارد دلار است که سهم حج و عمره ۱۲ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. تولید ناخالص عربستان نیز ۷۴۸ میلیارد دلار و درآمد سرانه حدود ۲۵۹۶۵ است.

[این نوشته، از مقالات و یادداشت‌های بسیار ارزنده - سابقه محمد مسجدجامعی و همچنین استاد شهیدی مودب مندرج در روزنامه‌های اطلاعات و همشهری، بهره بسیار برده است].

بهار ۱۳۹۷ خورشیدی
علیرضا پورامید